

مولفه‌های استخراجی از سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی نظام در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی و نقش آن در موتور پیشران تمدن سازی

محمد اسفندیار^۶

دکتر خواجه سروی^۷

فصلنامه (علمی- تخصصی) مطهر، سال هفدهم، شماره ۵۵، زمستان ۱۳۹۹

چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر پایه مبانی قرآنی و اصول علمی، از سوی رهبر انقلاب اسلامی به عنوان نقشه راه پیشرفت کشور در عرصه داخلی و بین المللی صادر شده است. خوانش اولیه بیانیه نشان دهنده‌ی استواری در متن و اجزایی کاملاً منطقی و طراحی دقیق بخش‌های بیانیه در حوزه نظری و عملی می‌باشد. هدف از نگارش این مقاله درک معرفتی و شناختی بیانیه گام دوم و استخراج مدل حکومت داری و سیاست مداری انقلاب اسلامی است. لذا سوال اصلی اینجا مطرح خواهد شد که نظام اسلامی در چهل سال گذشته با چه اصول، مبانی و سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی حرکت کرده که به این حد از ظرفیت جامعه‌پردازی و تمدن سازی رسیده است. یکی از ویژگی‌های اصلی انقلاب اسلامی، میزان تبعیت‌پذیری بسیار بالای آن در حوزه رفتاری و کارکردی از مبانی و اصول اولیه نظام در طول حیات خود است که حتی در نظام‌های بزرگی نظیر لیبرالیسم و مارکسیسم این تبعیت‌پذیری وجود ندارد. لذا سبک رفتاری صادر شده از سوی نظام اسلامی در گام اول این فرضیه را تقویت می‌کند که استخراج مولفه‌های سبک رفتاری نظام و بالفعل نمودن آن، تاثیر بسزایی در ارتقاء رفتار حرفه‌ای و افزایش قدرت تمدن سازی انقلاب اسلامی در سطح جهان خواهد شد. بر اساس یافته‌های مقاله، آنچه که در پیشرفت و ماندگاری انقلاب اسلامی نقش مهمی داشته است، میزان تبعیت‌پذیری نظام و کنشگران آن از مبانی فکری آرمان‌های اولیه انقلاب و اجرایی نمودن آن در عرصه عمل و مدیریت بوده است. در این مقاله از روش تحلیلی توصیفی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: گام دوم انقلاب، سبک رفتاری، تمدن، پیشران.

^۶ - کارشناس ارشد علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) esfandiar.1300@yahoo.com

^۷ - دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی. khajehsarvy@yahoo.com

مقدمه

فهم دقیق بیانیه و ادراک مفهومی آن بسیار راه گشا می‌باشد و می‌تواند ما را در راهبردها و گام‌های نظری و عملی در اجرای سیاست‌های انقلاب اسلامی و رسیدن به اهداف مورد نظر کمک نماید. بیانیه دارای مضامین قابل فهم و سازه‌های مفهومی دقیقی است. در یک نگاه کلی به بیانیه می‌توان استراتژی و راهبردهای کلان انقلاب اسلامی را از آن استخراج نمود. هر یک از جوامع و ملت‌ها و نظام‌ها برای خود دارای اهدافی می‌باشند که این اهداف با توجه به خمیرمایه‌ی فرهنگی اجتماعی و نوع تفکر حاکم بر آن نظام و با استعدادهای ذاتی و درونی آن جامعه می‌تواند ترسیم شود. طبعاً از اهداف عالیه انسان رشد و تکامل می‌باشد که تمام جوامع انسانی در پی آن می‌باشند اما چگونگی رسیدن به این مرحله به صورت‌های گوناگونی شکل می‌گیرد و جوامع بسیار کمی را مشاهده می‌کنیم که راه صحیح را در پرورش و تربیت انسان به جامعه نشان دهد زیرا مبانی، اهداف، ابزار و تاکتیک‌های بکار گرفته باید جامع و فراگیر و بر اساس اصول و ارزش‌های انسانی بنیان شده باشد. مسلماً مکاتب بشری می‌توانند در این راه کمک شایانی را ارائه دهند، ولی با توجه به تجربه بشریت هنوز جوامع در پیچ و خم افکار و ایده‌های مکاتبی گم شده‌اند که عملاً نه تنها گره‌ای از کار بشر باز کرده بلکه به مشکلات انسان افزوده است.

مکاتب با توجه به محتوای خود هر کدام نقشی را در بستر سازی مبانی فرهنگی و اجتماعی جامعه خویش بازی کرده‌اند. بشر از ابتدای وجود خود در کره‌ی خاکی تا کنون فراز و نشیب‌های زیادی را طی نموده است و تاکنون در علوم طبیعی و علوم انسانی به توفیقات زیادی دست پیدا کرده است. در عصر کنونی که از زندگی بشر هزاران سال می‌گذرد و بشر تمدن‌های بزرگی را تجربه کرده است هنوز جوامع به حد اعلایی از زندگی و زیستن نرسیده‌اند. مکاتب و تمدن‌های ارزش‌مدار و اخلاق‌محور همیشه چراغ راه بشریت بوده‌اند و مکاتب و تمدن‌های مادی‌گرا و غیر الهی جوامع انسانی را به قعر چاه هدایت کرده‌اند اما همیشه حقیقت و ارزش‌های انسانی آنچنان که تاریخ نشان می‌دهد پنهان نمی‌ماند. سوال اصلی این است که انقلاب اسلامی ایران به عنوان داعیه دار جهان اسلام با چه مولفه‌ها و شاخص‌هایی در حوزه فکری، رفتاری و مدیریتی می‌تواند نسخه‌ای جامع و کامل جهت جامعه‌پردازی و تمدن سازی ارائه نماید. در سازماندهی پژوهش به چند مسئله اساسی می‌پردازیم. در بخش تمهیدات نظری و مفهومی به بحث تمدن و نزاع تمدن، اهمیت بیانیه گام دوم و چرایی، چیستی تمدن سازی و میزان توانایی انقلاب برای تمدن سازی پرداخته خواهد شد. در بخش بعدی که بحث اصلی و اساسی مقاله را شکل خواهد داد به توصیف و تحلیل مولفه‌های سبک بینشی، سبک رفتاری، سبک مدیریتی نظام اسلامی در گام اول می‌پردازد یقیناً هر کدام از این سبک‌ها دارای شاخص‌ها و ویژگی‌هایی می‌باشد، که اساس و ماهیت آن

سبک را شکل خواهد داد. در واقع کلان راهبرد انقلاب اسلامی را بیان می‌کند. مبانی و اصول این سبک‌ها برگرفته از ایدئولوژی ناب اسلام و تجربیات اسلام معاصر می‌باشد. در بخش آخر به میزان تطابق سبک‌های استخراجی با ملزومات تمدن سازی پرداخته و قرابت و نزدیکی این دو کاملاً مشهود می‌گردد.

تمهیدات نظری و مفهومی

تمدن و نزاع تمدن

مفاهیم تمدن و نزاع تمدنی مطالعات تمدن به عنوان یکی از مهمترین حوزه‌های پژوهشی، از گذشته‌های دور ملحوظ نظر محققان قرار گرفته است. تمدن در زبان انگلیسی از لغت لاتینی Civis به معنای شهرنشین گرفته شده است و به منظور دلالت بر ویژگی‌هایی مانند لطف، کیاست و لیاقت مورد استفاده قرار گرفته است (جهان بین و فتحی، ۱۳۹۷: ۴۱). یونانیان با استفاده از واژه تمدن، شهر را به عنوان مجموعه‌ای از نهادها و روابط اجتماعی می‌دانستند. ساموئل هانتینگتون تمدن را بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آورد (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷). مک آیور تمدن را به معنای تشکل جامعه، نظام و کنترل شرایط اجتماعی؛ و کسی مثل کروبر، تمدن را به واقعیت اجتماعی خلاصه می‌کنند (روح الامینی، ۱۳۷۹: ۴۹-۵۰). ویل دورانت تمدن را عبارت از نظم اجتماعی می‌داند که در اثر آن خلاقیت فرهنگی امکان پذیر میشود و جریان پیدا می‌کند. به علاوه در محل برخورد راه‌های بازرگانی و شهرهاست که عقل مردم بارور میشود (دورانت، ۱۳۳۷: ۳). عده‌ای نیز تمدن را حاصل تعالی فرهنگی و پذیرش نظم اجتماعی، می‌دانند و اینکه تمدن خروج از بادیه‌نشینی و گام نهادن در شاهراه نهادینه شده امور اجتماعی و یا به قول ابن خلدون، عمران یافتن است.

عوامل تمدن ساز

وجود مؤلفه‌های تمدن ساز یا فقدان آنها، تأثیر بسزایی در ظهور و افول تمدن‌ها بر جای می‌گذارد. ویل دورانت عناصر تمدن سازی را شامل پیشبینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان و نظم سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر، ویژگی‌های زمین شناختی، شرایط جغرافیایی، زیستی، روانی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی می‌داند (دورانت، ۱۳۸۲: ۷-۳). عبدالله بداوی نیز از ده اصل اسلامی تمدنی یا اسلام حضاری ایمان به خدا و رعایت تقوای الهی، حکومت عادل و امین، مردم آزاد و مستقل، تحقیق مجدانه و تسلط بر علوم، توسعه اقتصادی متعادل و فراگیر، کیفیت مناسب زندگی، حفظ حقوق اقلیت‌ها و زنان، یکپارچگی فرهنگی و اخلاقی، حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست، قابلیت دفاعی مستحکم به عنوان عوامل سازنده تمدن یاد می‌کند. برخی نیز مؤلفه‌های تمدن سازی را شامل مواردی

همچون سیطره فراملی، اراده جمعی و انسانی، دارا بودن مهد، جامعه و سرزمین، شمولیت در روابط فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، قدرت نفوذ، جریان سازی اجتماعی و برتری طلبی، تعالی جویی و آرمان خواهی فراگیر، تأثیر در تحولات تاریخی می دانند. غسان العزی در کتاب سیاست القوه؛ مستقبل النظام الدولی و القوى العظمی، بر این اعتقاد است که جهت قرار گرفتن در رأس تمدن، شروطی همانند پیشرفت در زمینه علمی و فناوری، اوضاع اقتصادی و مالی مطلوب، قدرتمندی نظامی، موقعیت جغرافیایی مناسب و ذخایر انرژی، فرهنگ تأثیرگذار و توانمندی دیپلماتیک الزم است به طور کلی با کنکاش در منابع، میتوان نه مؤلفه ایدئولوژی، موقعیت جغرافیایی، انسانی و اجتماعی، حوزه فرهنگی، مؤلفه های سیاسی، اقتصادی، نظامی، سیاست خارجی، علم و فناوری، را به عنوان مهمترین عناصر تمدن ساز دانست. (جهان بین و فتحی، ۱۳۹۷: ۴۱)

پیشینه پژوهش

بیانیه گام دوم انقلاب در چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی توسط رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) صادر شده است در تبیین بیانیه، پژوهشگران به اهمیت و جایگاه بیانیه و توضیح و تفسیر آن از ابعاد گوناگون پرداخته اند. در اکثریت مقالات، اجزای بیانیه تشریح و توضیح داده شده است. در این مقاله، یک نگاه کلی و فراگیر و انداموار به بیانیه شده است. در مقاله سعی می شود بینش، رفتار و منش مدیریتی نظام اسلامی در چهل سال گذشته از آن استخراج شود و در نهایت به مولفه های اصلی سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی نظام برسیم. روش بدیع و خلاقانه مقاله در استخراج مولفه های بینشی، رفتاری و مدیریتی از متن بیانیه است.

انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران یکی از انقلاب هایی بوده است که تفاوت های بسیاری از لحاظ مبنایی و ایدئولوژیکی در مقایسه با دیگر انقلاب های جهان داشته است. باگذری کوتاه بر انقلاب های جهان و با بررسی علل و عوامل انقلاب های جهان به این نتیجه می رسیم که عوامل انقلاب های جهان با هیچ یک از علل پدید آمدن آن با علل انقلاب اسلامی ایران همخوانی ندارد، لذا اندیشمندان جهانی در این مورد به واکاوی و ارزیابی های انجام شده کمتر به نتایجی که به واقعیت امر نزدیک باشد برسند و علت این موضوع هم بر می گردد به نوع جهان بینی شکل گرفته در اذهان آنها. چون افکار و اذهانی که بر مبنای جهان بینی مادی شکل گرفته باشد بدنبال علل مادی و طبیعی برای بررسی یک پدیده است و علت انقلاب ایران را تنها می توان با دید دینی و الهی توجیه کرد. انقلاب ایران به اعتراف بسیاری، یک انقلاب منحصر به فرد است و نظیری برای آن در میان انقلاب های بزرگ نمی توان یافت.

در ایران انقلابی رخ داده است که همه معادلات را به هم ریخته و حساب‌های به اصطلاح جامعه شناسانه را نقش بر آب ساخته است. کسی باور نمی‌کرد انقلابی رخ دهد که بدون پشتوانه حزبی و تشکیلاتی خاص و تنها با تکیه بر مذهب و پایگاه‌های آن، یعنی مساجد شکل گرفته باشد. به هر روی می‌بینیم غربیان نیز این انقلاب را پدیده‌ی نو ظهوری دانسته‌اند.

لذا انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی نه تنها در جهان اسلام، بلکه جهان غرب را نیز تحت تاثیر خود قرار داده است بطوری که مبانی نظام فکری غرب را کاملاً زیر سوال برده است. دین اسلام که دارای تمدن پر بار و غنی در سراسر عمر خود می‌باشد در مقاطعی از تاریخ با افول مواجه شده است که ریشه‌های گوناگونی دارد اسلام به عنوان آخرین دین توسط حضرت محمد (ص) با کتاب آسمانی قرآن شروع شد و رشد و نمو کرده است و هدف اصلی آن نیز بوجود آوردن یک تمدن واحد در کل جهان برای نجات بشریت از تاریکی‌ها و رشد و تربیت کامل انسان بوده است. به همین جهت در همان دوران اولیه مبعوث شدن پیامبر اسلام با توجه مفاهیم الهی و اسلامی سریعاً رو به رشد نهاد و تمدن‌های بزرگ آن دروان را در طی یک دهه کنار زده بود و در ممالک آنها نفوذ کرده بود این شروع و نمو یک تمدن بوده است که طی ده سال از لحاظ جغرافیایی بخش‌های بزرگی از جهان را در نور دیده بود این در حالی است که هر تمدن در پس قرن‌ها و گذشت زمان‌های طولانی بوجود می‌آید ولی دین اسلام در طی ده سال تمدن ساز شده است زیرا هدف اسلام تمدن ساز بودن دین اسلام و گسترش و ترویج آن در سراسر جهان است که بر طبق سنت الهی می‌باشد.

۱- مولفه‌های استخراجی در بیانیه گام دوم انقلاب

با بررسی کلی بیانیه ما به سه نوع سبک از کارکردها و خروجی‌های نظام اسلامی رسیده ایم. هر کدام از این سبک‌ها دارای مولفه‌ها، شاخص و اصولی می‌باشد که جداگانه به توضیح و تبیین هر کدام می‌پردازیم این سه سبک به صوت سلسه مراتب و اولویت دار در سطوح نظام رعایت شده است. آن چیزی که مهم است حلقه‌های به هم پیوسته این سبک است که زنجیر وار به یکدیگر متصل شده است و دچار انقطاع و انحراف از مراحل قبلی نشده است. کما اینکه در اکثر نظام‌های سیاسی و انقلاب‌های بزرگ، کمی پس از گذشت انقلاب‌هایشان دچار انحراف و انقطاع فکری و عملی از شعارها و اصول شده‌اند و به آرمان‌های اصلی نیز پشت پا زده‌اند. اما در انقلاب اسلامی عمل و کنش نظام با مبانی نظری و تئوریک اولیه انقلاب به صورت موازی حرکت کرده است. همسو بودن این دو عرصه یعنی عرصه نظر و عرصه عمل موجب تحولی عظیم در ارتقاء توانایی و افزایش قوای انقلاب برای جامعه پردازی و تمدن سازی شده است.

الف: سبک بینشی نظام اسلامی

در واقع می‌توان گفت سبک بینشی مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و رویکردهای کلی ذهنی و فکری یک نظام در موضوعات اساسی و بنیادی حیات اجتماعی است که منجر به رفتار و عمل نظام در تصمیم‌گیری در حوزه‌های گوناگون زندگی می‌شود. مختصات بینشی، مربوط به جنبه نگرشی است؛ و ادراک خیالی و ادراک عقلی انسان را شامل می‌شود.

ب: سبک رفتاری نظام اسلامی

مختصات رفتاری نظام، مربوط به جنبه رفتاری نظام است؛ مختصات رفتاری، رفتار ارادی نظام را در تحولات و حوادث در برمی‌گیرد. مختصات رفتاری و عملی نظام مجموع برآیندهای مختصات بینشی آن نظام سازنده خواهد بود و از آن‌ها تاثیر خواهد پذیرفت.

ج: سبک مدیریتی نظام اسلامی

در دنیای امروز سرعت پیشرفت جوامع بستگی به نظام مدیریت آن‌ها داشته و نحوه و مدل مدیریت‌ها مطابق جهان بینی آن جوامع تدوین شده است. هر مدیریتی شناخت خاصی از جهان دارد و مدیریت را بر اساس آن شناخت تنظیم می‌کند.

۱-۱) مولفه‌های استخراجی از سبک بینشی نظام اسلامی

۱-۱-۱) معنویت‌گرایی

اصولا هر نظام سیاسی اجتماعی باید بر اساس مکتب و آرمان‌های خود حرکت نماید. نظام انقلاب اسلامی بر اساس مبانی و اصول اسلامی، سه اصل اساسی و مهم خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن-سازی را سرلوحه برنامه‌های بعد از انقلاب در جهت پیشرفت مادی و معنوی کشور و سایر جوامع قرار داده است. آن چیزی که برای دین اسلام مهم و اساسی است ایده‌آل کردن فرد و انسان و خانواده و بعد جامعه است به مضمون دیگر اسلام بر بعد فردی و اجتماعی انسان اهمیت بسیار زیادی قائل است. لذا آنچه که در بیانیه در خصوص خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی آمده است دارای مبانی دینی، اسلامی و قرآنی می‌باشد. در مقایسه با سایر مکاتب لیبرالیستی و مارکسیستی، اسلام دارای مبانی متفاوت‌تر و جامع و کامل می‌باشد. در مکاتب دیگر انسان محوری به صورت ناقص و معیوب برای افراد تفسیر و نهادینه شده است. آنچه که در غرب در حوزه انسان‌گرایی آمده است، انسان را به سمت فطرت درونی خویش رهنمون نمی‌سازد و ناسازگاری‌های زیادی با فطرت بشری و انسانی دارد. در اهمیت معنویت‌گرایی در بیانیه گام انقلاب این طور آمده است:

«عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه بگونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده‌ی مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج

داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست تطاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی بویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد»

لذا این مکاتب بعد از سالیان سال هنوز نتوانسته‌اند نسخه مطلوبی را برای افراد جامعه در جهت آرامش و اسایش روحی و روانی ارائه دهند. در دین اسلام و کتاب اسمانی قرآن نسخه‌های بسیار فراوانی را مطابق فطرت و روح بشر ارائه داده است که با بکارگیری و تجربه کردن آن به هیچ وجه جوامع دچار آسیب‌های فراوان در حوزه سیاسی اجتماعی نخواهند شد. اسلام تقوا را بهترین مطلوب انسان می‌داند و برای اینکه انسان از نابسامانی‌های و هرج و مرج‌های اجتماعی رها پیدا نماید باید‌ها و نبایدهایی را برای انسان در نظر گرفته است در صورتیکه مکاتب لیبرالستی نفس اماره را محور قرار داده‌اند و اصالت سود و فایده مادی را به جامعه تزریق نموده‌اند و تمام برنامه‌های فردی و اجتماعی جوامع بر اساس نفس اماره و سود و فایده مادی محاسبه می‌گردد. لذا ما شاهد هستیم جوامع غربی بعد از تجربه‌های فراوان در تفکر مدرن و پسا مدرن هنوز در ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند تا جایی که به بن بست نزدیک خواهد شد.

لذا آنچه که در بیانیه برای رسیدن به جامعه سازی و تمدن سازی لازم است مشروط به خودسازی در بعد فردی و اجتماعی می‌باشد که در نهایت جامعه را به اهداف و غایات متعالیه می‌رساند. انقلاب اسلامی بعد از پیروزی در چهل سال اخیر توانسته در این حوزه گام‌های موثر را بردارد و نتایج خوبی را هم به همراه داشته است و توانسته در حوزه خودسازی و جامعه پردازی و تمدن سازی پیشرفت‌های گفتمان ایجاد نماید. تفاوت مسیر لیبرالی با مسیر اسلامی بسیار فراوان است در نسخه غربی و مدرن، انسان مداری با روح بشر و فطرت او سازگاری و همخوانی ندارد و اصلاً در پی متعالی تمدن انسان و تکامل همه استعدادهای انسانی نمی‌باشد و بر اساس محاسبات مادی جلو می‌رود در صورتی که اسلام به جوانب روحی و روانی بشر معطوف شده و برنامه و نسخه کاملی را برای او در نظر گرفته است. در کنار موج معنویت گرایی و گسترش آن در جمهوری اسلامی، در غرب شاهد سقوط اخلاقی بوده ایم که در بیانیه نیز مورد تاکید قرار گرفته است:

و این‌ها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُرحجم آنان برای کشاندن مرد و زن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت را در بخش‌های عمده‌ی عالم منزوی کرده است؛ و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است.» (بیانیه گام دوم)

۲-۱-۱) عدالت گستری

اندیشمندان و فیلسوفان مکاتب فکری سیاسی جهان به مباحث عدالت به طور اجمالی پرداخته‌اند اما آن چیزی که مهم است حکومت‌ها و دولت‌ها کمتر در حوزه عملی توانسته‌اند سازوکار اجرایی عدالت را فراهم آورند و آن را در تمامی سطوح جامعه و سیاست رسوخ و نهادینه نمایند. ضمن اینکه در بحث تئوریک و نظری هم مکاتب فکری غرب دارای کمی و کاستی در بحث عدالت هستند. اما انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از بینش فکری اسلام، هم در حوزه نظری و هم در حوزه عملی امکان پیدا کرده به پیشرفت‌های قابل توجهی دست پیدا کند. مقام معظم رهبری در بیانیه این طور می‌فرمایند:

«کفّهی عدالت را در تقسیم امکانات عمومی کشور سنگین کرد. نارضایتی این حقیر از کارکرد عدالت در کشور به دلیل آنکه این ارزش والا باید گوهر بی‌همتا بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد و هنوز نیست، نباید به این معنی گرفته شود که برای استقرار عدالت کار انجام نگرفته است. واقعیت آن است که دستاوردهای مبارزه با بی‌عدالتی در این چهار دهه، با هیچ دوره‌ی دیگر گذشته قابل مقایسه نیست. در رژیم طاغوت بیشترین خدمات و درآمدهای کشور در اختیار گروه کوچکی از پایتخت‌نشینان یا همسانان آنان در برخی دیگر از نقاط کشور بود. مردم بیشتر شهرها بویژه مناطق دوردست و روستاها در آخر فهرست و غالباً محروم از نیازهای اولیه‌ی زیرساختی و خدمت‌رسانی بودند».

گسترش و نفوذ عدالت بعد از انقلاب اسلامی به حدی بوده است که در لایه‌های گوناگون نهادها و طبقات جامعه نفوذ پیدا کرده است به طوری که در بیانیه دستاوردهای مهم عدالت گستری در جهان بی نظیر بیان شده است:

«جمهوری اسلامی در شمار موفق‌ترین حاکمیت‌های جهان در جابه‌جایی خدمت و ثروت از مرکز به همه‌جای کشور، و از مناطق مرفّه‌نشین شهرها به مناطق پایین‌دست آن بوده است. آمار بزرگ راه‌سازی و خانه‌سازی و ایجاد مراکز صنعتی و اصلاح امور کشاورزی و رساندن برق و آب و مراکز درمانی و واحدهای دانشگاهی و سد و نیروگاه و امثال آن به دورترین مناطق کشور، حقیقتاً افتخارآفرین است؛ بی‌شک این همه، نه در تبلیغات نارسای مسئولان انعکاس یافته و نه زبان بدخواهان خارجی و داخلی به آن اعتراف کرده است؛ ولی هست و حسنه‌ای برای مدیران جهادی و بااخلاص نزد خدا و خلق است. البته عدالت مورد انتظار در جمهوری اسلامی که مایل است پیرو حکومت علوی شناخته شود، بسی برتر

از این‌ها است و چشم امید برای اجرای آن به شما جوان‌ها است که در ادامه بدان خواهیم پرداخت» (بیانیه گام دوم انقلاب).

۳-۱-۱) فطرت گرایی (حقیقت گرایی، حق طلبی، استقلال و آزادی)

ارزش‌های الهی مبتنی بر فطرت بشر و همساز و هماهنگ با ذات انسانی و انسانیت انسان و بالاتر از آن نازل شده و همگی از ناحیه عالم مطلق هستند و بدین اعتبار چراغ راه بشر در رسیدن به کمال و سعادت- اند. فطرت یک خلقت هدایت یافته تکوینی است که زمینه ساز هدایت آینده خواهد بود. از آنجا که اندیشه‌های امام خمینی (ره) و اصول اساسی انقلاب اسلامی مبتنی بر ارزش‌های دینی الهی است، مقوله فطرت یکی از اساسی‌ترین اصول مکتب و اندیشه امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی به شمار می‌رود؛ مؤلفه‌ای که در آثار ایشان به خوبی به آن پرداخته شده است. ایشان در مقاله ششم کتاب شرح حدیث جنود عقل و جهل، با ذکر آیه شریفه «فطره الله التي فطر الناس عليها؛ فطرت الهی، همان فطرتی است که خدا انسان را بر آن آفریده است» (روم/۳۰). به بیان فطرت و انواع آن می‌پردازد. بنابراین، پایه و اساس دیدگاه امام خمینی (ره) در همه مسائل، اصل فطرت است و فطرت نیز فطرت کمال جوی بشر است و عقل و دین به کمک فطرت پاک انسانی آمده‌اند تا انسان متعالی گردد. در مقابل، اگر فطرت پاک انسانی حاکم نباشد، قوای طبیعت که در مقابل فطرت قرار دارند، حاکم می‌شود و انسان تحت امر قوای شیطنت، غضب و شهوت قرار می‌گیرد.

یکی از ویژگی‌هایی اساسی انقلاب اسلامی این است که مبانی و اصول انقلاب موازی با ویژگی‌های فطری انسان‌ها و جوامع است که با اصالت وجودی انسان سازگار نمی‌باشد. لذا در بیانیه این‌طور آمده است:

«برای همه‌چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزّت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدرخشد و در دوره‌ای دیگر افول کند».

۴-۱-۱) باور به ظلم ستیزی

وقوع انقلاب اسلامی در دهه‌های پایانی قرن بیستم، زمینه ساز حضور دین در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شد و اندیشه‌های موجود الحادی را به چالش کشانید. این حضور که در نظام دو قطبی جهان نمی‌گنجید، موجب تغییر در رفتار، روش و شعارهای سران استکبار شد و غول‌های رسانه‌ای با تبلیغات یکسویه، فقر و جهالت و عقب ماندگی که ثمره سال‌ها استعمارزدگی امت اسلامی است را به حساب

حاکمیت نوپای دینی گذارده و موفقیت‌های چشمگیر این حرکت الهی را نادیده می‌گیرند. رهبر معظم انقلاب در پاسخ به این هجمه‌ها مفهوم استکبارستیزی را در قالب گفتمان انقلاب اسلامی طرح و براساس آن نظام امپریالیستی موجود را به چالش می‌کشد. متن پیش رو درصدد پاسخ به این پرسش است که مفهوم استکبارستیزی در اندیشه سیاسی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) دارای چه جایگاه و مختصات می‌باشد؟ در بیانیه گام دوم انقلاب نیز تشریح شده است.

«نماد پُرابهت و باشکوه و افتخارآمیز ایستادگی در برابر قلدران و زورگویان و مستکبران جهان و در رأس آنان آمریکای جهان‌خوار و جنایت‌کار، روزبه‌روز برجسته‌تر شد. در تمام این چهل سال، تسلیم‌ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته‌ی آن در مقابل دولت‌های متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته‌شده‌ی ایران و ایرانی بویژه جوانان این مرز و بوم به‌شمار میرفته است»

نکته حائز اهمیت این است که انقلاب اسلامی در این تقابل نابرابر ظلم و حق به پیروزی دست پیدا کند: «قدرت‌های انحصارگر جهان که همواره حیات خود را در دست‌اندازی به استقلال دیگر کشورها و پایمال کردن منافع حیاتی آن‌ها برای مقاصد شوم خود دانسته‌اند، در برابر ایران اسلامی و انقلابی، اعتراف به ناتوانی کردند. ملت ایران در فضای حیات‌بخش انقلاب توانست نخست دست‌نشانده‌ی آمریکا و عنصر خائن به ملت را از کشور براند و پس از آن هم تا امروز از سلطه‌ی دوباره‌ی قلدران جهانی بر کشور با قدرت و شدت جلوگیری کند» (بیانیه گام دوم انقلاب)

۵-۱-۱) تعامل دین و دنیا

دنیا و آخرت دو قلمرو کاملاً جدا و بدون ارتباط نیستند؛ به گونه‌ای که بتوان برای هرکدام برنامه جداگانه طرح ریزی کرد. رسیدن به سعادت اخروی بسته به بهره‌مندی از بینش درست، برخورداری از اخلاق مناسب و گزینش رفتار شایسته در دنیا می‌باشد؛ زیرا دنیا و آخرت دوروی یک سکه اند؛ بین آن‌ها رابطه تکوینی برقرار است و آخرت مرحله دیگر از یک حقیقت به هم پیوسته است. از این رو، اگرچه هدف نهایی و مقصد اصلی دین، تأمین سعادت اخروی و هدایت انسان به سوی کمال حقیقی در سایه قرب الهی می‌باشد؛ اما رسیدن به این هدف بدون توجه به نوع رفتار و پندار انسان در دنیا ممکن نیست. علاوه بر این، اصلاح دنیا هدف میانی دین است؛ زیرا متون دینی اقامه عدل را از اهداف اصلی بعثت انبیا می‌داند و برای رسیدن به این هدف قوانین حقوقی و کیفری ویژه‌ای وضع کرده است و برای توزیع دارایی‌ها و فرصت‌ها نظام ویژه‌ای را سا مان داده است. همچنین، از این گفتار به دست می‌آید که رفتارهای ما علاوه بر پیامدهای متعارف که مشهود عموم است، تأثیر نامرئی بر حوادث و جریان‌های نیک و بد جهان

دارد که خداوند از آن آگاه است. پس، از این جهت نیز دین مداری یادین گریزی درسامان شدن یا نا بسامانی وضعیت دنیای انسان، نقش بی بدیل وانکار ناپذیر دارد. لذا مقام معظم رهبری در بیانیه نیز فرمودند: «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود» بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی)

۶-۱-۱) شمولیت‌گرایی برای همه جهان

گفتمان انقلاب اسلامی ماهیت و هویت فرا ملی دارد. انقلاب فرا ملی بر خلاف انقلاب ملی دارای ارزش‌ها و آرمان‌هایی است که از مرزهای جغرافیایی ملی فراتر می‌رود و به یک ملت تعلق ندارد. بر این اساس انقلاب اسلامی ایران، یک انقلاب فرا ملی است، زیرا این گفتمان انقلابی بر پایه اسلام شیعی استوار است که یک مکتب و جهان بینی جهان شمول و فرا ملی است. فرا ملی گرایی و جهان شمولی گفتمان انقلاب اسلامی موجب الهام بخشی در جوامع دیگر شده است، زیرا این گفتمان بر اصول انسانی و فطری استوار است و به همه ابعاد بشری توجه کرده است. امکان باز تولید گفتمان انقلاب اسلامی در جوامع اسلامی و در حال توسعه بیشتر است زیرا این گفتمان در شناسایی و پاسخگویی به مشکلات مادی و معنوی این جوامع توانا تر است.

۲-۱) مولفه‌های استخراجی از سبک رفتاری نظام اسلامی در بیانیه

۱-۲-۱) عقلانیت رفتاری

نکته اساسی در بحث عقلانیت رفتاری بحث تبعیت پذیری رفتار و کنش نظام از مبانی عقلانی می‌باشد یعنی تمام افعال سیاسی اجتماعی نظام اسلامی بر اساس مبانی عقلانی صادر می‌شود. البته بحث عقلانیت باید بر پایه و اساس صحیح تحلیل شود. در مکاتب غربی در بحث عقلانیت آنطور که باید جامع و مانع تفسیر شود پرداخته نشده است و در بعضی موارد در سطح بسیار نازلی با بحث عقلانیت برخورد شده است لذا آنچه که در غرب در باب عقلانیت آمده است بر اساس محاسبه سود و زیان شئونات سیاسی اجتماعی بحث شده و سمت و سوی حقیقت گرایی ندارد و به فطرت و روح حق طلبی انسان توجه ندارد. آن نوع تمدن یونانی که در شخصیت‌هایی مثل سقراط و افلاطون و ارسطو ظاهر شد، بهتر از تمدن امروزی غرب است، ولی با آن عقل بشریت به نتیجه‌ای که به دنبال آن است نمی‌تواند برسد. حتی تمدنی که صرفاً محدود به عقل استدلالی باشد برای زندگی بشر کافی نیست، یعنی بشر در نهایت نمی‌تواند با آن کنار بیاید و به نتیجه‌ای که در همه ابعاد شخصیت خود به آن نیاز دارد، برسد. لذا یکی از

ویژگی‌های انقلاب اسلامی استمداد کنش‌ها و رفتارهای نظام در تمامی شئونات برگرفته از عقلانیت اسلامی می‌باشد لذا ما ابتدا به بحث اهمیت و جایگاه عقل در انقلاب اسلامی می‌پردازیم در ارزش و اهمیت عقل، روایات فراوانی از ائمه اطهار علیهم‌السلام وارد شده است که بر اساس آنها عقل به عنوان مهم‌ترین و محبوب‌ترین مخلوق الهی و ملاک جزا و پاداش معرفی شده است.

۲-۲-۱) ثبات، تعهد و وفاداری به آرمان‌ها

نکته قابل توجه در انقلاب اسلامی تداوم در مسیر انقلابی و ثبات و اصرار بر آرمان‌های انقلاب بوده است به طوری که در گام اول ما به هیچ کدام از شعارها و مبانی اولیه انقلابی پشت نکرده و حتی در پی مطلوب عمل نمودن به آرمان‌ها بوده است. در مقایسه با دیگر انقلاب‌ها می‌توان این طور نتیجه گرفت انقلاب‌های بزرگ نیز در تعهد به شعارهای انقلاب و ثبات در مسیر انقلاب دچار انفعال شده‌اند اما انقلاب اسلامی با کمک مکتب فکری اسلام توانسته از اصول و مبانی منحرف نگردد لذا در بیانیه این طور آمده است:

«انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و بالاراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمیشود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه‌ی نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند»

از ویژگی انقلاب اسلامی این است که با اقتضائات زمان، مسیرها و رفتارهای خود را تنظیم نموده و حرکت می‌کند. ضمن اینکه از اصول خود به شدت دفاع می‌کند نسبت به پویایی و و پالایش خود نیز اقدام می‌نماید.

«جمهوری اسلامی، متحجر و در برابر پدیده‌ها و موقعیت‌های نو به نو، فاقد احساس و ادراک نیست، اما به اصول خود بشدت پایبند و به مرزبندی‌های خود با رقیبان و دشمنان بشدت حساس است. با خطوط اصلی خود هرگز بی‌مبالاتی نمی‌کند و برایش مهم است که چرا بماند و چگونه بماند» (بیانیه گام دوم انقلاب).

۳-۲-۱) اخلاق محوری و اجتناب از افراط گرایی

یکی از ویژگی‌های رفتاری انقلاب اسلامی دوری از هرگونه حب و بغض افراطی بوده است منظور از حب و بغض افراطی یعنی تمام دوستی‌ها و دشمنی‌ها بر مدار حق و باطل می‌چرخد و برخاسته از هواهای

نفسانی و غرائز اعمال نخواهد شد لذا انقلاب اسلامی ضمن اینکه قدرت زیادی را در معادلات داخلی و خارجی داشته است توانسته این قدرت را در مسیر فطرت و حقیقت هدایت کند. این مورد دربیانیه این طور اشاره شده است:

«انقلاب اسلامی ملت ایران، قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. مرتکب افراطها و چپروی‌هایی که مایه‌ی ننگ بسیاری از قیام‌ها و جنبش‌ها است، نشده است. در هیچ معرکه‌ای حتی با آمریکا و صدام، گلوله‌ی اوّل را شلیک نکرده و در همه‌ی موارد، پس از حمله‌ی دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. این انقلاب از آغاز تا امروز نه بی‌رحم و خون‌ریز بوده و نه منفعل و مردّد. با صراحت و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است»

۴-۲-۱) تقویت هویت ملی

اهمیت و ارزش هویت ملی برای تمام افراد جامعه از جمله نخبگان و اندیشمندان پوشیده نیست زیرا این مولفه در هر جامعه و کشوری جاری و ساری شد توانست به درجات مختلفی از هویت‌های فرهنگی دست پیدا کند. تقویت این مولفه در ایران به همراه تلفیق دین و پویایی فرهنگی اسلام می‌تواند بهترین گزینه برای هویت ملی دینی باشد. برای احیای تمدن ایرانی - اسلامی، بازتعریف هویت ملی و دستیابی به کار ویژه‌های هویت ملی نظیر انسجام و همبستگی ملی، ایجاد آگاهی ملی و جهت‌دهی به زندگی اجتماعی و تعیین ساز و کارهای فرهنگ سیاسی ضروری می‌نماید. زیرا هویت ملی با بهره‌گیری از توانایی‌های نمادین مانند زبان، دین، گذشته تاریخی و منافع مشترک می‌تواند به وفاق اجتماعی و همبستگی ملی یاری رساند. همچنین هویت ملی می‌تواند مسیر و هدف جمعی افراد جامعه را نیز مشخص می‌سازد.

۱- ۱) مولفه‌های استخراجی از سبک مدیریتی نظام اسلامی در بیانیه

از ابتکارات انقلاب اسلامی دست‌آوری به مدیریت صحیح و منطقی در تمامی عرصه‌ها بوده است. به طوری که توانسته با اتکاء به مبانی و اصول اسلامی به تکوین شاخص‌های مدیریتی جدیدی در جهان دست پیدا نماید اما باید این شاخص‌ها در صحنه عمل نیز به منصفه ظهور گذاشته شود و در تمامی نهادهای اجرایی و مدیریتی اعمال شود. که در گام دوم انقلاب بر آن تاکید شده است. در زیر به برخی از شاخص‌های مدیریتی در گام اول انقلاب می‌پردازیم:

۱-۳-۱) مدیریت جهادی

شاید بتوان گفت از اولین شاخص‌های مدیریتی که انقلاب اسلامی در سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب به آن دست پیدا کرده شاخص مدیریت جهادی بوده است. آنچه که تجربه و تاریخ نشان می‌دهد

انقلاب اسلامی در حوادث سخت بعد از انقلاب در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی به مدیریت درست و صحیح برآمده از آموزه‌های اسلامی دست پیدا نماید و به موفقیت‌های شگرفی در عرصه سیاسی اجتماعی دست پیدا نماید. مدیریت جهادی با شاخص‌های امید و امید آفرینی، عزم و اراده، خلاقیت و نوآوری، اتکا به توان و قدرت داخلی، باور به پیروزی و پیشرفت، توجه به علم و عمل توانسته انقلاب را از دل هجمه‌های سنگین جهان غرب نجات دهد و اکنون بعد از چهل سال ما به فن آوری در این حوزه دست پیدا کردیم. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب در خصوص مدیریت جهادی این طور می‌فرماید:

«مدیریت جهادی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم»؛ عامل عزت و پیشرفت ایران در همه‌ی عرصه‌ها به‌رغم همه‌ی این مشکلات طاقت‌فرسا، جمهوری اسلامی روزبه‌روز گام‌های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت.»

امام خمینی را می‌توان به عنوان مدیر تمام عیار انقلاب اسلامی به عنوان الگو در تمامی تحولات انقلاب مشاهده کرد به این معنا که منبع و منشأ مدیریت اسلامی ایشان بوده است و توانسته گفتمان صحیح مدیریت اسلامی را در صحنه‌های عملی انقلاب به نمایش بگذارد. یکی از مدیریت‌های اساسی ایشان تشکیل حکومت بر مبنای مردم سالاری دینی بوده است که ضامن اصلی انقلاب در طول چهل سال بوده است.

«در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد.» تسهیل نمودن ورود جوانان به عرصه مدیریتی کشور از ویژگی‌های بارز مدیریت اسلامی بوده است. با ورود جوانان به عرصه‌های جنگ، پیروزی‌های زیادی را برای انقلاب رقم زده است که این ویژگی در بیانیه گام نیز مورد تاکید است:

«آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما میتوانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، انکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد»

از شاخص‌ها دیگر مدیریت جهادی و اسلامی این است که بدون هیچ تجربه‌ای توانسته به جمهوریت و اسلامیت نظام در قالب جمهوری اسلامی نظریه‌ای نو را ارائه و عملی نماید:

«هیچ تجربه‌ی پیشینی و راه‌طی‌شده‌ای در برابر ما وجود نداشت. بدیهی است که قیام‌های مارکسیستی و امثال آن نمیتوانست برای انقلابی که از متن ایمان و معرفت اسلامی پدید آمده است، الگو محسوب

شود. انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه‌ی بزرگ امام خمینی، به دست نیامد. و این نخستین درخشش انقلاب بود»

۲-۳-۱) تاکید بر بدیع و نوآورانه و اصیل بودن انقلاب اسلامی

تاکید بر بدیع و نوآورانه و اصیل بودن انقلاب اسلامی است و به همین دلیل چون انقلاب اسلامی بدیع و نوآور است، بسیار ارزشمند است و تمام آن چیزی که به دست آورده نیز ارزشمند است. این را این گونه استدلال می‌کنند که بدیع و نوآورانه بودن انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر شروع شده؛ چرا؟ چون اولاً همه چیز علیه ما بود و ثانیاً هیچ تجربه پیشین و راه طی شده‌ای در برابر ما وجود نداشت.

۳-۳-۱) مدیریت در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی

دخالت دادن علم در عرصه‌های مدیریتی انقلاب اسلامی یکی از مولفه‌های اساسی را در مدیریت انقلاب نشان می‌دهد. مولفه علم گرایی در مکتب اسلام به خوبی تشریح و بیان شده است ما در زیر به اهمیت و بحث علم در اسلام می‌پردازیم اصل کلمه علم، بجز مشتقات آن، حدود هشتاد بار در قرآن کریم در مواضع مختلف به کار رفته است و اگرچه کلمه عقل در قرآن نیامده، ترکیب «اولی الالباب» را که به معنای خردمندان است می‌توان در قرآن یافت. همچنین، واژگانی چون حکمت، برهان، فکر و فقه بارها در قرآن به کار رفته‌اند.

این تأکید پیامبر اسلام که دانش آموختن بر هر زن و مرد مسلمان واجب و فریضه است، یا ساعتی اندیشیدن از عبادت یک ساله نیکوتر است، نمونه‌هایی از تأکید بر دانش‌اندوزی در اسلام است. در دوره حیات ائمه، به ویژه از دوره امام جعفر صادق (ع) که دانش و دانش‌اندوزی رونق تمام داشت، آن حضرت یاران خویش را به دانش‌اندوزی تشویق می‌فرمودند. اینکه در روز قیامت قلم دانشمندان بر خون شهیدان سنگینی خواهد کرد، نمونه‌ای از این تشویق‌هاست.

علم‌آموزی و پیشرو بودن در یادگیری علم از عوامل اصلی تمدن ساز اسلامی در مدت زمان بسیار کم بوده است آنچه رشد علمی و پیشرفت‌های مادی را برای مسلمانان میسر ساخت، در حقیقت همان اسلام بود که با تشویق مسلمین به علم و ترویج نشاط در زندگی، راه اعتدال، توسعه و تکامل صنعت و علم انسانی را تسهیل کرد. اسلام در دنیایی دعوت خود را آغاز کرد که در حال رکود و جمود بود. اسلام با تعلیمات مبتنی بر جست و جوی علم و ترک تعصبات قومی و مذهبی و اعلام مکان همزیستی با اهل

کتاب، به تعبیر قرآن غل‌ها و زنجیرهایی را که به دست و پا و گردن مردم بسته شده بود، پاره کرد و زمینه رشد یک تمدن عظیم و وسیع را فراهم ساخت. (زرین کوب، ص ۱۳). پروفیسور ارنست کوئل آلمانی، استاد هنر اسلامی در دانشگاه برلین، در سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۴ می‌گوید: مسلمانان از نژادهای مختلف بر روی اختلافات نژادی خود پل بسته بودند؛ یعنی اسلام برای اولین بار توانست وحدتی سیاسی و اجتماعی بر اساس عقیده و مرام و مسلک به وجود آورد، و به همین جهت تسهیلات زیادی را از لحاظ ایجاد تمدنی عظیم و وسیع به وجود آورد توصیه و تأکید اسلام در توجه به علم و علما، علت و موجب اصلی آشنایی مسلمین با فرهنگ و دانش انسانی بود. قرآن مکرر مردم را به تفکر و تدبیر در احوال کائنات و تأمل در اسرار آیات دعوت کرده و مکرر به برتری اهل علم و درجات آن‌ها اشاره کرده است. (همان، ص ۴۴۹). توجه مسلمین به علوم از قرآن آغاز شد. آن‌ها به تلاوت صحیح قرآن اهمیت می‌دادند. تمام سعی خود را در فهمیدن احکام قرآن مصروف می‌داشتند. احساس نیاز مسلمین به درک و فهم الفاظ و معانی قرآن، علوم مختلف اسلامی را به وجود آورد.

لذا حرکت مدیریت کشور بر مبنای علم و فن آوری باعث پیشرفت‌ها و موفقیت‌های عظیم در انقلاب اسلامی در عرصه‌های عمران، پزشکی، هسته‌ای، نظامی و .. شده است در باب اهمیت علم و فن آوری در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است «موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر میشود»

در مقایسه با قبل از انقلاب در بحث توسعه علم و فن آوری می‌توان این طور ذکر کرد که در هیچ عرصه‌ای از علوم و فنون پیشرفته گامی بومی و داخلی برنداشته شده و اکثریت علوم و فنون وارداتی بوده است و این مورد در بیانیه نیز تأکید شده است:

«ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به‌جز مونتاژ و در علم به‌جز ترجمه هنری نداشت»

۴-۳-۱) به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و مسابقه‌ی خدمت‌رسانی

در تطبیق شکل مدیریت جهادی و اسلامی با سایر مدیریت‌ها در جهان، بهره‌گیری انقلاب اسلامی از ظرفیت‌های مردمی و خودجوش انقلابی بوده است. تاریخ اسلام به ما نشان داده و یاد داده است که در اداره جامعه اسلامی باید از تمام ظرفیت‌های مردمی استفاده کرده است و این موجب قوام بخشی و استحکام پایه‌های حکومت داری خواهد شد در استفاده از این ظرفیت مردمی در بیانیه این طور تشریح شده است:

«مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانید و در موضوعات اجتماعی مانند کمک‌رسانی‌ها و فعالیت‌های نیکوکاری که از پیش از انقلاب آغاز شده بود، افزایش چشمگیر داد. پس از انقلاب، مردم در مسابقه‌ی خدمت‌رسانی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی مشتاقانه شرکت میکنند.

۵-۳-۱) جوانان؛ محور تحقق نظام پیشرفته‌ی اسلامی

آن چیزی که در بیانیه گام دوم تاکید شده است ضرورت تکوین الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی است که برای دست یافتن به این الگو مانند تجربه‌های چهل سال اول باید از حضور فعال جوانان در همه میدان‌های سیاسی بهره برد. لذا جوانان با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر و ارزشمند بعد از انقلاب، با روحیه انقلابی و عمل جهادی در تکمیل الگوی نظام پیشرفته اسلامی بشتابند. این موضوع در بیانیه اینطور مورد تاکید قرار گرفته است:

«اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند»

۶-۳-۱) بهره‌گیری از نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی؛ مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور

اهمیت بهره‌گیری از نیروی انسانی مستعد و کارآمد با پایه‌های عمیق اسلامی و ایمانی یکی از امتیازات و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی برای سرعت بخشی به حوزه تمدن سازی است. لذا یکی از منابع کمیاب که اکثر کشورها شاید از این قضیه بی بهره باشند منابع انسانی مستعد می‌باشد لذا نظام اسلامی از دو جنبه دارای امتیاز است اول وجود نیروی انسانی جوان دوم کیفیت نیروی انسانی جوان. این موضوع در بیانیه نیز مورد تاکید واقع شده است. نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی میکنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و

انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب به صورت کمی به آمار منابع انسانی که بعد از انقلاب در کشور پرورش یافته‌اند اشاره می‌فرمایند: مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد.

۲- نقش مولفه‌های استخراجی بیانیه بر تمدن سازی انقلاب اسلامی

پرسش اصلی آن است که انقلاب اسلامی با توجه به تحولات تمدن اسلامی در ادوار گذشته با تاکید بر چه مولفه‌هایی می‌تواند پایه‌های تمدن اسلامی را برای همیشه مستحکم نماید لذا در پاسخ به شاخص-های تمدن ساز بودن انقلاب اسلامی می‌توان مولفه‌های عقلانیت، علم گرایی و معنویت را در رشد سریع‌تر و همه‌جانبه انقلاب اسلامی برای رسیدن به تمدن اسلامی معرفی نمود.

۱-۲) بایسته‌های تمدن سازی انقلاب اسلامی

تمدن سازی و عقلانیت

در ارزش و اهمیت عقل، روایات فراوانی از ائمه اطهار علیهم السلام وارد شده است که بر اساس آنها عقل به عنوان مهم‌ترین و محبوب‌ترین مخلوق الهی و ملاک جزا و پاداش معرفی شده است. امام باقر علیه السلام فرمود: وقتی خداوند عقل را آفرید، هر آنچه دستور داد اطاعت کرد و از هرچه نهی کرد پرهیز نمود. آن‌گاه خداوند فرمود: «به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی که از تو به پیشم محبوب‌تر باشد نیافریدم و تو را تنها به کسانی که دوستشان دارم به طور کامل دادم. همانا امر و نهی و کیفر و پاداش متوجه تو است.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۱۰) (عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۳۹).

عقل بزرگ‌ترین سرمایه انسان است. امام صادق علیه‌السلام از حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌کند که خطاب به حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «ای علی! شدیدترین فقر جهالت و بزرگ‌ترین سرمایه عقل است.» (کلینی، همان: ۱۰)

نگاه عقلانی، با برنامه و محاسبه و هوشمندی و تدبیر باعث می‌شود که در طی هر مسیری دچار لغزش و انحراف نشویم. دین‌مداری، عدالت‌خواهی، آزادی‌طلبی و هر آرمان اسلامی و انسانی دیگر اگر با عقلانیت همراه نباشد، نه تنها ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند بلکه مشکلات را پیچیده‌تر هم می‌کند و موجب ایجاد انحراف هم می‌شود (قالیباف، ویژه نامه تاریخ جام جم. مرداد ۱۳۸۷) «اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا باشد دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید نخواهد بود، اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود، خیال می‌کند چیزهایی عدالت است در حالی که نیست، و چیزهایی را هم که عدالت است گاهی نمی‌بیند. بنابراین عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم رسیدن به عدالت است.» (مقام معظم رهبری با اعضای دولت نهم، ۱۳۸۴).

۲-۲) تمدن سازی و علم گرایی

ویژگی دین اسلام این بوده که در مدت زمان بسیار کمی توانسته مبانی عقیدتی خود را نه تنها در جامعه عرب بلکه در بخش وسیعی از جهان بگستراند به طوری که ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌گوید "تمدنی شگفت انگیزتر از تمدن اسلام وجود ندارد. اگر اسلام طرفدار ثبات، جمود و یکنواختی می‌بود، باید جامعه را در همان حد اول جامعه عرب نگه بدارد، در حالی که (در طی کمتر از یک قرن) تمدن‌های وسیع مجاور را در خودش جمع کرد و از مجموع آنها تمدن عظیم‌تری را به وجود آورد."

۲-۳) تمدن سازی و معنویت

در قرآن کریم حدود ۸۸۰ آیه بطور مستقیم از ماده «آمن» استفاده کرده است. اگر متضادهای این ماده و نیز مواد دیگری که نزدیک به آن است در نظر بگیریم، آیات زیادی در قرآن درباره موضوع ایمان است. از نظر امام خمینی غرب صرفاً در بعد مادی پیشرفت کرده است و تنها توانسته است با استفاده از علم و تکنولوژی بر طبیعت چیره شود و از آن برای افزایش امکانات و رفاه خود بهره بگیرد، ولی در تعالی معنوی انسان ناتوان می‌باشد و قادر نیست نیاز انسان را به معنویت و اخلاق پاسخ بگوید. «کشورهای غربی اگر بتوانند ... به کره مریخ هم بروند، به کهکشان‌ها هم بروند، باز از سعادت و فضایل اخلاقی و تعالی روانی عاجزند و قادر نیستند مشکلات اجتماعی خود را حل کنند» (روح الله خمینی، ولایت فقیه، ص ۱۴).

دوری غرب از معنویت باعث شده تا بسیاری از پیشرفت‌های علمی غرب که دارای کارکردهای مفید و مثبت

می باشد، علیه بشریت مورد استفاده قرار گیرد. «غربی‌ها در جهان مادی پیشرفت کرده‌اند... غرب قوای طبیعت را کشف کرد و بر ضد انسان این قوا را به کار می‌برد، برای هدم انسانیت، برای هدم شهرها و ممالک ... آن چیزهایی که در آنها پیشرفت کردند، بر ضد انسانیت به کار می‌برند». (صحیفه امام، ج ۸، ص ۱۰۸). به عنوان نمونه، غرب از تکنولوژی که باید برای افزایش رفاه بشر به کار گرفته شود، استفاده مخرب می‌کند و آن را برای ساخت سلاح و به راه انداختن جنگ و کشتار انسان‌ها به کار می‌گیرد و شهرها و سرزمین‌ها را به نابودی می‌کشانند (همان ص ۱۸۳).

امام معتقد است که غرب برای حل مشکلات اجتماعی خود باید به سراغ معنویت و اخلاق برود. «کسب قدرت مادی یا ثروت و تسخیر طبیعت و فضا از عهده حل [مشکلات اجتماعی غرب] بر نمی‌آید. ثروت و قدرت مادی و تسخیر فضا احتیاج به ایمان و اعتقاد و اخلاق اسلامی دارد ... تا در خدمت انسان قرار گیرد».

اما وقوع انقلاب اسلامی سبب تغییر این وضع و مطرح شدن تعریف جدیدی از مادی و معنوی است. شاخص مادی تمدن اسلامی همان علم و پیشرفت است: «خصوصیت این نظام، این نیست که به مسائل مادی توجه نخواهد کرد و هدفش را فقط معنویات قرار خواهد داد، نه؛ این یک مغالطه و نشانه‌ی غلط دادن است؛ که در تبلیغات جهانی علیه ما، این نشانه داده می‌شود. به هیچ وجه این گونه نیست؛ بلکه معنای تشکیل چنین نظامی، این است که عنصر گمشده از میان بشر، یعنی عنصر «معنویت» - که تحت تأثیر پنجه قدرتمند قدرتمندان عالم است - به زندگی بشریت برمی‌گردد. همچنانی که انسان به نان و هوا و غذا و صنعت و علم و پیشرفت و لذا زندگی نیازمند است، به ایمان و تقوا و پاکی و پاکدامنی و طهارت دل و نورانیت دل و مجذوب معارف الهی شدن هم نیازمند است؛ به اخلاق حسنه و مکارم اخلاقی هم نیازمند است.» (بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانشجویی ۱۳۸۵/۷/۲۵).

حضرت آیت الله خامنه‌ای بارها فرموده‌اند که با تشکیل جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در قله تمدن بشری قرار بگیرد و تمدن اسلامی را حاکم کند: «این ملت از همه این جهات توانایی‌هایی دارد که اگر این همت را بکند و این تصمیم را بگیرد، خواهد رسید. این ایران نمی‌تواند ایران دوره قاجار و پهلوی بماند. این ایران، ایران دوره اسلامی است؛ باید بتوانیم در قله تمدن بشری قرار بگیریم که حق ماست؛ به خاطر اسلامان، به خاطر ایمانمان، به خاطر استعدادمان، به خاطر ایرانی بودنمان. پس، من به مسئولان

دنبال گیری و جدیت در تعقیب کار را توصیه می کنم.» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نخبگان استان سمنان؛ ۱۳۸۵/۸/۱۹).

البته ایشان این نکته را نیز خاطر نشان کرده اند که پیشبرد این طرز تفکر امری دشوار است، چون منفعت عده ای در دنیای امروز تأکید بر بعد مادی تمدن است: «بشر به پیشرفت علمی نیازمند است، به اکتشافات پی در پی - همچنان که امروز بشر سرگرم این اکتشافات است و پیشرفت های شگفت آوری دارد - نیازمند است؛ اما در کنار معنویت. خوب، نظام اسلامی هم، آن نظامی است که میخواهد این عنصر گم شده از تمدن و حیات بشری را به محیط زندگی بشر برگرداند. این در بیان، کار آسانی است؛ اما در عمل، هم کار مشکلی است، هم معارضان خیلی گردن کلفتی دارد. همه ی کسانی که منفعتشان در دنیا با ایجاد جنگ همراه است، با این مخالفند؛ همه ی کسانی که کار و بارشان در دنیا با ترویج سکس سکه می شود، با این مخالفند؛ همه ی کسانی که می خواهند سر رشته ی ثروت های حیاتی ملت ها را به دست گیرند، با این مخالفند؛ همه ی کسانی که قدرت طلبی برایشان هدف اصلی است - در حکومت های کوچک و بزرگ دنیا - با این مخالفند. یعنی معارضان گردن کلفتی دارد.» (بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکل های مختلف دانشجویی ۱۳۸۵/۷/۲۵).

۴-۲) قرآن و علت اساسی سقوط تمدن ها

آیات بسیاری در قرآن این واقعیت را منعکس می کند که اساسی ترین علت فناء و نابودی جامعه ها و تمدن ها و سلسله ها، ظلم و تعدی و تجاوز کاری خود آنهاست که در اینجا به مطالعه برخی از آنها بسنده می کنیم. قرآن کریم در سوره مبارکه یونس آیه ۱۳ در خصوص علت سقوط تمدن ها می فرماید:

و لقد اهلکنا القرون من قبلکم لما ظلموا و جاءتهم رسلهم بالبینات و ما کانوا لیؤمنوا کذالک نجزی القوم المجرمین (یونس، آیه ۱۳).

«و ما قبل از شما امتحانی را بدلیل ظلم و جورشان به بوته هلاکت سپردیم آنان با اینکه پیامبران شان با دلائل روشن بسوی شان آمدند. بخط توحید و تقوا گام نسپردند و ایمان نیاوردند آری ما اقوام مجرم و زشتکار را این چنین کیفر می دهیم.»

قرآن کریم در نهایت وارثان زمین را افراد صالح معرفی می کند و اشاره می کند که سرانجام زمین از ظالمان و ستمکاران تهی می گردد و ما این گونه می خواهیم ((و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین)) (قصص، ۵)) ((و ما اراده کردیم بر ان طیفه ضعیف در زمین آنها را پیشوایان قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان قرار دهیم)).

با توجه به آیات قرآن علل اصلی انحطاط تمدن‌ها را باید در عواملی همچون خوش‌گذرانی، طغیان و سرپیچی، ظلم و ستم، ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر فساد و فحشا، جهل و نادانی، تقلیدهای کورکورانه، عدم ترک صحیح از دین نام برد که هر کدام از این عوامل به درجاتی در انحطاط فرهنگ‌ها و تمدن‌ها اثر گذار است.

۵-۲) ظرفیت‌های انقلاب اسلامی در ساخت تمدن

انقلاب اسلامی با توجه به ویژگی‌هایی که از خود در طول مراحل انقلاب نشان داده این ظرفیت را داراست تا بتواند در عرصه جهانی با بهره‌گیری از مکتب اسلام بتواند نمونه‌ای از نظام با کارکردهای اثر بخش و مفید باشد. اما ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران را از ابعاد زیر نیز می‌توان نگریست. (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۰).

تحول انقلابی: انقلاب اسلامی ایران تغییری و تحولی بنیادین در ساختارهای سیاسی، اجتماعی فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران بود. انقلاب ملت ایران در زمره انقلاب‌های بزرگ قرار می‌گیرد بر اساس تعریف ساموئل هانتینگتون انقلاب اسلامی ایران یک تغییر و تحول سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز در ساختار اجتماعی، نهادهای سیاسی، ارزشها، باورها و اسطوره‌های حاکم بر جامعه ایران و رهبران حکومتی، فعالیت‌ها و کنش‌های سیاسی آنان بود.

فرهنگ محوری: یکی دیگر از شاخص‌های انقلاب اسلامی فرهنگی بودن آن است. ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی ایران تنها نظریه‌های انقلاب را با مشکل مواجه نساخت، بلکه پارادایم اثبات‌گرایی حاکم بر روابط بین‌الملل و نظریه‌های جریان اصلی را نیز به چالش کشید، زیرا این نظریه‌ها به ویژه واقع‌گرایی، نقش قوام بخش و تکوینی برای ساختارهای غیرمادی و انگاره‌ای در روابط بین‌الملل قائل نیستند و بر ساختارهای مادی ناشی از توزیع قدرت مادی تاکید می‌ورزند. حتی نظریه‌های فرهنگی نو ظهور آن زمان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای برای فرهنگ‌های بومی و سنتی خارج از گفتمان سکولاریزم و مدرنیزاسیون قائل نبودند.

الهام بخشی: فراملی‌گرایی، رهایی‌بخشی و جهان‌شمول گفتمان انقلاب اسلامی موجب الهام بخشی در جوامع دیگر شده است، زیرا این گفتمان بر اصول انسانی و فطری استوار است و به همه ابعاد بشری توجه کرده است. امکان باز تولید گفتمان انقلاب اسلامی در جوامع اسلامی و در حال توسعه بیشتر است زیرا این گفتمان در شناسایی و پاسخگویی به مشکلات مادی و معنوی این جوامع توانا تر است.

تمدن‌های بزرگ بشری دارای عقبه و سابقه‌های تمدنی بوده‌اند و این منجر به تمدن سازی شده است ولی در مورد اسلام این چنین نبود اسلام توانسته است با قدرت فوق العاده خود در سرزمینی که اثری از فرهنگ و سواد نبوده است تمدن عظیمی را بنیان نماید: «پدیده‌ای در تاریخ اتفاق افتاده که اگر ما بخواهیم آن را بر اساس معادلات معمولی تاریخی حل کنیم، حل آن محال است، و آن این که ملتی که در دورانی از نیازهای اولیه تمدن بشری محروم بوده، بنایی را پی‌ریزی کرده که بزرگترین تمدن‌های بشری را به وجود آورده و آن، نهضت اسلامی است. تمدن را چه کسانی به وجود می‌آورند؟ تمدن یونان و روم قدیم، که اروپای امروز در اواخر قرن بیستم هنوز به آن می‌نازد و در تاریخ و تفسیرهای علمی خود، آن را به رخ همه می‌کشد، هر قدمش مترتب بر قدم‌های قبلی بوده است. مگر یک تمدن عظیم، همین طوری از یک کویر می‌جوشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ اما در مورد اسلام، چنین شد. عده‌ای که حتی سواد خواندن نداشتند - چه رسد به این که سواد داشتن، به خواندن کتاب‌های گوناگون و به پیدا کردن نظر علمی منتهی شود و بعد این نظر علمی در مسابقه‌ی بین نظرات علمی بشر رتبه‌ی بالاتر را پیدا کند - تمدنی عظیم را پی‌ریزی کردند. شما ببینید این‌ها چه راه‌های طولانی‌ای است» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۷۳/۶/۲۹).

۶-۲) پویایی و زایایی فرهنگ اسلامی راهی به سوی تمدن سازی

یکی از ویژگی‌های مهم ما این است که مرکز تشیع در جهان هستیم و تشیع مکتبی پویاست، بدین معنا که می‌تواند بر مبنای شرایط و نیازهای جامعه پاسخ‌های مناسب را تولید کند. ویژگی دوم ما مؤلفه پویایی فرهنگ ایرانی است. فرهنگ ما می‌تواند مؤلفه‌های فرهنگ‌های دیگر را درک و هضم کند و آن‌ها را مطابق با نیازها و مؤلفه‌های فرهنگی خود به کار گیرد. این مسئله را در تاریخ ایران می‌بینیم. برای نمونه، هنگامی که اسلام به ایران آمد، فرهنگ ایرانی توانست عناصر فرهنگی برتر فرهنگ اسلامی را اخذ کند و به مرور فرهنگ ایرانی - شیعی را شکل دهد. عنصر سوم فرهنگ ایرانی علم جویی است. این خصلت به دلیل آموزه‌های دینی در ایران تقویت شده است. طبق تعالیم دینی علوم را می‌توان از هرکس فارغ از دین و ملیتش حتی از چین فرا گرفت. بنابراین، مانعی برای توسعه علوم به لحاظ فرهنگی در ایران وجود ندارد ما این مسئله را در توسعه آموزش عالی در دو دهه اخیر به خوبی می‌بینیم. عنصر نوجویی و نوگرایی نیز از ویژگی‌های جامعه ایران است. در همین صد سال گذشته چندین بار تلاش ملی برای نفی استبداد و استعمار صورت گرفته است. با وجود آن که قیام‌ها و تلاش‌ها به دفعات سرکوب شده یا بی نتیجه مانده است، باز هم مردم برای رسیدن به اهداف شان با سازماندهی تازه و رهبری جدید به میدان آمده‌اند (تقوی و خوشنویس، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

نتیجه‌گیری

همان‌طور که در ابتدای پژوهش مطرح شد این مقاله در صدد پاسخگویی به این سوال می‌باشد که بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چه مولفه‌ها و شاخص‌هایی را در سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی نظام اسلامی اشاره کرده و یافته‌های پژوهش در سازگاری و همسویی با مولفه‌های تمدن‌سازی به چه میزان تطابق دارد. توضیح و تبیین هر دو مولفه‌ها یعنی هم مولفه‌های استخراجی از بیانیه و هم مولفه‌های تمدن‌ما را به این یافته و خروجی از پژوهش سوق می‌دهد که یک قرابت و نزدیکی بین هردو موضوع وجود دارد. که در اینجا به تشابه و تطابق این دو می‌پردازیم. در استخراج مولفه‌های عملکرد نظام اسلامی، ما در بیانیه گام دوم به سه نوع سبک بینشی، رفتاری و مدیریتی دست یافته ایم که هر کدام از این شاخص‌ها دارای زیر شاخه‌هایی می‌باشد. در سبک بینشی به باورها، عقاید و کلان موضوعات فکری نظام اسلامی که تمام کنش‌ها و افعال نظام از آن منشا و مبدا صادر می‌شود پرداخته شد و در نهایت، موضوع بهره‌گیری نظام از مکتب فکری اسلام را به عنوان یک نسخه کامل برای اداره جامعه و حکومت مورد نظر قرار می‌دهیم. شاخص‌های خدامحوری، تعامل دین و دنیا، جهان‌شمولی، فطرت‌گرایی عدالت‌محوری به معنای واقعی و حقیقت‌طلبی در کلان موضوعات فکری نظری نظام اسلامی قرار می‌گیرد و مسلماً موارد ذکر شده توان و قدرت بالایی را برای موتور پیشران تمدن‌سازی انقلاب اسلامی ایجاد خواهد کرد.

در سبک رفتاری نظام هم باید در ابتدا به این نکته اشاره کرد که یک تمایزی بین نظر و عمل هر نظام سیاسی اشاره کنیم. آنچه که تجربه نشان داده رفتارهای هر نظام همیشه با مبانی فکری آن نظام مطابقت کامل نکند زیرا در بسیاری از مکاتب فکری دنیا مباحث کلانی همچون عقلانیت، علم، عدالت به عنوان آرمان‌ها و شعائر اصلی اعلام شده ولی در اعمال، افعال، رفتار و خروجی‌های نظام هیچ تطابق و تشابهی با باورها و عقاید کلان آن نظام مطابقت ندارد آنچنان که در مکاتب فکری غرب نیز این موضوع مشاهده می‌شود. لذا یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب اسلامی در مقایسه با سایر انقلاب‌های جهان تبعیت‌پذیری محض رفتارها و کنش‌های نظام بر مبنای مبانی فکری نظری انقلاب است. چنانکه بعد از چهل سال از گذشت انقلاب هیچ انحراف و انقطاعی از اصول و مبانی اولیه انقلاب صورت نگرفته است.

در شاخص‌های رفتاری نظام می‌توان به عقلانیت رفتاری، علمانیت رفتاری، اخلاق‌گرایی و اجتناب از افراط‌گرایی اشاره کرد. سبک سوم استخراجی از بیانیه سبک مدیریت نظام اسلامی است که مدیریت جهادی، جوان‌گرایی، دست‌یافتن به علوم و فنون پیشرفته، بدیع و خلاقانه بودن مدیریت‌ها، بهره‌گیری از مشارکت مردمی را شامل می‌شود. لزوماً ما در بحث تمدن‌سازی به این مصادیق نیاز داریم که در

بیانیه گام دوم کاملاً به آن اشاره شده است. لذا تطابق و تشابه مولفه استخراجی از بیانیه با مولفه‌های تمدن سازی ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که انقلاب اسلامی بر مدار این مولفه‌های تمدن ساز در حرکت است و سرعت بخشی به تمدن سازی انقلاب اسلامی را رقم خواهد زد.

انقلاب اسلامی به جهت دارا بودن ساختار خاص معنوی و فکری توانایی رویارویی با فرهنگ و تمدن دیگر جوامع به خصوص تمدن غرب را دارا می‌باشد، ظهور انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت آینده دار و یک حرکت تمدن ساز جوابگوی نیازهای معنوی بشر می‌باشد که تمدن غرب سال‌هاست در نفی و سرکوبی آن تلاش نموده است. ویژگی‌های فراملی گرایی، فرهنگ محوری و الهام بخشی در انقلاب اسلامی توانسته این فرهنگ را در سطح منطقه و جهان گسترش دهد. انقلاب اسلامی ایران از همان بدو پدید آمدن، رویکرد تمدن سازی خود را با مبانی و اصول هدفمند و منسجم آغاز کرد. مولفه‌های معنویت، عقلانیت و علم گرایی در بسیاری از مقاطع و دوران این انقلاب خود را ظهور و بروز داده است. یقیناً تمدن و فرهنگ غرب نیز در کاربست این ویژگی‌ها کوتاهی نکرده است و روند فعلی تمدن غرب نیز مدیون این ویژگی‌ها است. ولی در تطبیق این مفاهیم در تمدن غرب و اندیشمندان غربی با فرهنگ و تمدن اسلامی تفاوت‌های زیر بنایی و ساختاری زیادی را مشاهده می‌کنیم تمدن اسلامی و تمدن غربی ذاتاً با یکدیگر متفاوتند و دو رویکرد کاملاً متفاوت نسبت به عالم و آدم دارند. تمدن عقلانی صرف که مایه الهی نداشته باشد و جنبه‌های معنوی انسانی را نادیده بگیرد ماندنی نیست. لذا مولفه‌های بینشی، رفتاری و مدیریتی نظام اسلامی با تکیه بر اصول و مبانی اسلامی و الهی می‌تواند برای جوامع بشری یک ضرورت بشمار می‌آید. ریشه‌های تمدن اسلامی را باید در نظام علمی، که برخاسته از آموزه‌های اسلامی است شناخت و تحلیل کرد. خاستگاه تمدن استوار و پویا که برجسته ترین و غنی ترین تمدن جهانی را بوجود آورد، متعلق به مکتبی بود که در آن علم و عالم جایگاه ویژه‌ای داشته است. لذا در زمان فعلی باید به نکات مهمی در باب علم و علم آموزی توجه کرد. ارزش گذاری برای علم و معلم، شناخت ارزش ذاتی علم، توأم نمودن علم و تزکیه و حکمت از ملزوماتی است که باید در روح و کالبد نظام علمی کشور حاکم شود. بنابراین از لحاظ تئوریک، علمی و تجربی مشاهده می‌شود اسلام بالطف الهی توسط انقلاب اسلامی بار دیگر در سرازیری پیشرفت قرار گرفته است و جهان در آینده شاهد کارآمدترین نظام و جامعه اسلامی می‌باشد.

پیشنهادهات

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان سندی معتبر و دقیق باید توسط اندیشمندان و پژوهشگران دانشگاهی و مراکز علمی مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد و شیوه‌های عملیاتی نمودن آن در نهادها و

بخش‌های مختلف استخراج و تدوین گردد. بحث تمدن و تمدن ساز بودن انقلاب اسلامی بحثی است که با واکاوی و ارزیابی دقیق توسط دستگاه‌های علمی پژوهشی کشور، بویژه مراکز دانشگاهی و نخبگان در حال شکل‌گیری است لذا الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و همچنین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان راهبرد جمهوری اسلامی ایران جهت رسیدن به رشد و تکامل و گامی در جهت باز تولید تمدن اسلامی ایرانی می‌باشد. آنچه مهم است این‌که تا چه حد نخبگان و مدیران عرصه فرهنگ، سیاست و اجتماع بتوانند از مولفه‌های ذکر شده در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی کمک گیرند. اگر کارگزاران اسلامی بتوانند در حوزه بینشی، رفتاری و مدیریتی از شاخص‌های بیانیه گام دوم بهره‌گیری و آن را در عرصه گوناگون جامعه، جامه عمل بپوشانند یقیناً به موفقیت‌ها و پیشرفت‌های ارزشمندی دست پیدا خواهیم کرد.

نظامنامه علمی تخصصی مطهر

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم
 ۲. امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۷۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
 ۳. امام خمینی، روح الله دیدگاه‌های فرهنگی امام خمینی، ۱۳۷۲، تهران، تصویرگران
 ۴. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه، ۱۳۷۳/۶/۲۹ قابل دسترسی در سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) www.khamenei.ir.
 ۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار نخبگان استان سمنان؛ ۱۳۸۵/۸/۱۹ قابل دسترسی در سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) www.khamenei.ir
 ۶. بیانات در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکلهای مختلف دانشجویی ۱۳۸۵/۷/۲۵ قابل دسترسی در سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) www.khamenei.ir
 ۷. تقوی مصطفی، خوشنویس یاسر، ۱۳۸۸، تأملی بر الگوی اسلامی ایرانی از دیدگاه صاحب‌نظران
 ۸. خرمشاد، محمد باقر، بازتاب‌های انقلاب اسلامی ایران تهران، سمت، ۱۳۹۰.
 ۹. دورانت، ویل، مشرق‌گاوهاره تمدن، ترجمه احمد آرام، پاشایی و آریان‌پور، تهران، علمی و فرهنگی، چ دهم، ۱۳۸۴.
 ۱۰. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، عطار، چ پنجم، ۱۳۷۹.
 ۱۱. زرین کوب، عبدالحسین، کارنامه اسلام، تهران، امیرکبیر ۱۳۶۲.
 ۱۲. صحیفه نور، تهران، ۱۳۷۱، وزارت فرهنگ و ارشاد.
 ۱۳. فتحی، محمد جواد، فصلنامه علمی - پژوهشی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی» سال هشتم: شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۷: ۴۱-۶۶ صفحات.
 ۱۴. قالیباف، محمد باقر، تداوم آفتاب. ویژه نامه تاریخ جام جم. مرداد ۱۳۸۷.
 ۱۵. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ۱۳۸۲، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی
 ۱۶. ولایتی، علی اکبر، ۱۳۸۴، تاریخ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف
 ۱۷. هانتینگتون، ساموئل، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه علی‌حمیدرفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.
- سایت:
- ۱- www.khamenei.ir سایت رسمی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای (مد ظله العالی)